

بنیاد اندیشه سیاسی در اسلام  
(از تکوین تا تدوین)

سید علی حسینی موسوی

عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید



سرشناسه | میرموسوی، سیدعلی، ۱۳۴۶-  
عنوان | بنیاد اندیشه سیاسی در اسلام (از تکوین تا تدوین)  
پدآور | سیدعلی میرموسوی  
مستندات | قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۵  
مشخصات ظاهری | ۴۱۹ص  
شابک | 978 - 964 - 8092 - 69  
وضعیت فهرست‌نویسی | فنی (فهرست نویسی پیش از انتشار)  
یادداشت | مانفام، ص. ۳۹۱-۴۰۲؛ همچنین به صورت زیرنویس  
نمایه.  
چاپ اول  
موضوع | ۱. اسلام و سیاست. ۲. علم سیاسی (فقه). ۳. اسلام و  
دولت. ۴. معتزله و سیاست. ۵. اشعریان و سیاست.  
۶. شیعه و سیاست. ۷. شیعه - تاریخ. ۸. شعوبیه.  
۹. امویان. ۱۰. عباسیان. ۱۱. مأمون. ۱۲. کلیله و  
دمنه - نقد و تفسیر. ۱۳. ابن مقفع. ۱۴. عبدالله بن دادویه.  
۱۵. ۱۰۶-۱۴۵ق. - نقد و تفسیر. ۱۶. ابویوسف خاقانی،  
یعقوب بن ابراهیم، ۱۱۳-۱۸۲ق. - سیاست. ۱۵.  
ابن مقفع، عبدالله بن دادویه، ۱۰۶-۱۴۵ق. - سیاست.  
۱۶. شافعی، محمد بن ادریس، ۱۵۰-۲۰۴ق. - سیاست.  
۱۷. مالک بن انس، ۹۳-۱۷۹ق. - سیاست  
شناسه افزوده | دانشگاه مفید  
رده‌بندی کنگره | ۱۳۹۵ ب۹ / م۹ / ۲۳۱ BP  
رده‌بندی دیویی | ۲۹۷/۴۸۳۲  
کتابخانه ملی | ۲۸۰۸-۹۴-ن



| بنیاد فلسفه سیاسی در اسلام |

| (از تکوین تا تدوین) |

| سیدعلی میهن‌سوی |

| ناشر | انتشارات دانشگاه موفید |

| صفحه‌آرا | مهدی پاشازاده |

| چاپ | اشراق |

| شابک | ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۹۲-۶۹-۱ |

| چاپ اول | بهار ۱۳۹۵ |

| شمارگان | ۵۰۰ جلد |

| قیمت | ۲۴۰۰۰ تومان |

| entesharat@mofidu.ac.ir |

| قم - انتهای بلوار شهید صدوقی، دانشگاه موفید |

| تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۰۲۲۶-۳۲۱۳۰۲۵ | شماره: ۰۲۵-۳۲۱۳۵۱۷۷-۳۲۱۳۵۱۷۵ | صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۶۱۱ |

| تهران - خیابان حافظ جنوبی - خیابان کامران صالح - کوچه حسن شامتری - پلاک ۶ - دفتر دانشگاه موفید |

| تلفن: ۰۲۱۶۶۷۱۰۷۳۵ | شماره: ۰۲۱۶۶۷۱۰۷۳۴ |

تقدیم به:

روان پاک و پرمهر پدر

### بهرست مطالب

۹..... مقدمه ناشر

۱۱..... دیباچه

#### بخش نخست

#### پیدایش و تکوین

۳۱..... فصل یکم / زایش خرد سیاسی اسلامی

۳۲..... ۱. خرد سیاسی پیش از اسلام

۳۳..... ۱-۱. زندگی و سامان سیاسی قبیله

۳۸..... ۱-۲. عقلانیت سیاسی قبیله

۴۲..... ۲. پیامبر و امت؛ از دعوت تا دولت

۴۴..... ۲-۱. مکه: دعوت و استقامت

۴۹..... ۲-۲. مدینه؛ امت و دولت

۵۴..... ۲-۳. خرد سیاسی اسلامی

۶۸..... خلاصه و جمع‌بندی

**فصل دوم / اندیشه و آیین خلافت..... ۷۱**

۱. معمای خلافت و شیوه‌های جانشینی..... ۷۲

۱.۱. استخلاف..... ۷۷

۱.۲. شورای نخبگان..... ۸۰

۱.۳. بیعت عمومی..... ۸۵

۲. آیین اخلاقی حکمرانی..... ۹۰

خلاصه و جمع‌بندی..... ۱۰۵

**فصل سوم / فرقه‌های کلامی و چالش‌های سیاسی..... ۱۰۷**

۱. امان: آید اوزی جبر..... ۱۱۰

۲. شیعه: امت صادقانه و آرمانی..... ۱۱۵

۳. خوارج: آموزه تنبیر و نفی نونت..... ۱۲۵

۴. قدریه: آموزه اختیاریت..... ۱۲۸

۴. مرجئه: آموزه ارجا و دهرود..... ۱۳۳

۵. معتزله؛ در جست‌وجوی راه میان..... ۱۳۷

۶. جنبش اعتراضی و فرجام انقلاب..... ۱۴۲

خلاصه و جمع‌بندی..... ۱۴۴

**بخش دوم**

**اقتباس و پردازش**

**درآمد..... ۱۴۹**

**فصل چهارم / بازسازی و احیای اندیشه ایرانی..... ۱۵۱**

۱. ابن‌مقفع؛ نخبه‌گرایی دیوان‌سالار..... ۱۵۷

۱.۱. کلیده و دمنه؛ آیین ملک‌داری در آینهٔ عقل..... ۱۶۱

۱.۲. نامه تنسر؛ بازسازی شاهی آرمانی..... ۱۷۴

۱.۳. آیین عقلانی حکمرانی..... ۱۸۲

۲. شعوبی‌گری..... ۲۰۵

خلاصه و جمع‌بندی..... ۲۰۸

فصل پنجم / مذاهب فقهی و فقه سیاسی اهل سنت ..... ۲۱۳

۱. پیدایش فقیهان و تأسیس مذاهب فقهی ..... ۲۱۴

۱-۱. ابوحنیفه؛ فقیه اهل رأی ..... ۲۱۵

۱-۲. مالک؛ فقیه اهل حدیث ..... ۲۲۰

۳-۱. شافعی؛ راه سوم ..... ۲۲۲

۱-۴. ابن حنبل؛ متن مدار گذشته‌گرا ..... ۲۳۱

ابو یوسف؛ بنیان‌گذار فقه سیاسی ..... ۲۳۷

خلاصه و جمع‌بندی ..... ۲۴۷

بخش سوم

استانۀ تدوین؛ کلام سیاسی

فصل ششم / تشیع، امامت عادلانه و آرمانی ..... ۲۵۳

۱. امامیه ..... ۲۵۳

۱-۱. امام صادق (ع)؛ بنیان‌نمای مذهب ..... ۲۵۴

۱-۲. تداوم امامت ..... ۲۶۷

۲. زیدیه ..... ۲۷۱

۲-۱. نخستین انشعاب ..... ۲۷۳

۲-۲. قاسم زسی و صورت‌بندی اعتقادی ..... ۲۷۴

۳. اسماعیلیه ..... ۲۸۶

۳-۱. اسماعیلیه نخستین ..... ۲۸۸

۳-۲. امامت و اقتدار سیاسی ..... ۲۹۳

خلاصه و جمع‌بندی ..... ۳۰۰

فصل هفتم / معتزله؛ خردگرایی و امامت انتخابی ..... ۳۰۳

۱. خردگرایی و شریعت عقل ..... ۳۰۷

۲. عدالت؛ اختیار و مسئولیت ..... ۳۱۲

۳. امر به معروف و نهی از منکر ..... ۳۱۸

۴. امامت؛ پیمان و انتخاب ..... ۳۲۳

- ۳۳۴..... ماهیت و وجوب امامت ..... ۴-۱
- ۳۳۵..... شیوه‌های تعیین امام..... ۴-۲
- ۳۳۹..... ویژگی‌ها و شرایط امام..... ۴-۳
- ۳۳۲..... وظایف و قلمرو اقتدار امام..... ۴-۴
- ۳۳۶..... خلاصه و جمع‌بندی.....
- ۳۳۹..... فصل هشتم / اشعری؛ تأسیس کلام سیاسی اهل سنت.....
- ۳۴۰..... ۱. بیدایش و برآمدن.....
- ۳۴۵..... ۲. عقل در حصار نقل.....
- ۳۵۳..... ۱. کتب و اجتماع؛ در میانه جبر و اختیار.....
- ۳۶۳..... ۴. پیوستگی سیاسی «کسب».....
- ۳۶۶..... ۵. نظریه امامت؛ بیان گذشته و آینده.....
- ۳۶۷..... ۵-۱. مفهوم شرایط خلافت.....
- ۳۶۹..... ۵-۲. شیوه تعیین شیخ.....
- ۳۷۲..... ۵-۳. بازخوانی تاریخ خلافت.....
- ۳۷۶..... خلاصه و جمع‌بندی.....
- ۳۷۹..... خاتمه.....
- ۳۷۹..... تأمل بر برخی نتایج.....
- ۳۹۳..... کتابنامه.....
- ۴۰۳..... نمایه مفاهیم و اصطلاحات کلیدی.....

## مقدمه ناشر

اندیشه سیاسی یکی از فرآورده‌های فکری مهم تمدن اسلامی است، که ماجرای پیدایش و تحول آن موضوع کتاب پیش روست. تمدن اسلامی در فرایند شکل‌گیری و تحول خود همواره با الگوها و صورت‌های گوناگون دولت و حکومت، شیوه‌های متفاوت از اندیشمندان سیاست را نیز تجربه کرده است. این شیوه‌ها با وجود تنوع، بر بنیادی استوارند که پس پژوهش با هدف شناخت آن، انجام یافت. بنیاد اندیشه سیاسی در اسلام در سه‌صفا نخست پیدایش این تمدن شکل گرفت، از این رو مطالعه آن، نیازمند تاملی در این دوران است. مفاهیم و آموزه‌های بنیادینی که چارچوب کلی نگرش اسلامی به سیاست و حکومت را شکل می‌دهند، در این دوران پدیدار شدند همچنین، گرایش‌های گوناگون فکری بر بنا به نگاهی متفاوت به این آموزه‌ها، شکل گرفتند و زمینه را برای تنوع برداشت‌های سیاسی فراهم آوردند و به باروری اندیشه سیاسی کمک کردند بنابراین آگاهی از تحولات فکری این دوران نخستین گام برای شناخت و تحلیل بهتر اندیشه سیاسی در تمدن اسلامی است.

در این راستا فرایند شکل‌گیری و تحول اندیشه سیاسی را می‌توان به سه دوره تکوین، پردازش و تدوین تقسیم کرد. دوره نخست، از بعثت پیامبر(ص) آغاز و نزدیک به یک قرن ادامه می‌یابد. در این دوره بنیان‌های نگرش جدید به هستی و انسان در چارچوب آموزه‌های وحیانی تاسیس و بر پایه آن نگاهی نو به سیاست و حکومت پدیدار می‌شود. با درگذشت پیامبر(ص) و در سایه شکاف‌های اجتماعی و سیاسی به



تدریج جریان‌های گوناگون فکری و سیاسی پدید می‌آیند و تفاسیر و برداشت‌هایی متفاوت از آموزه‌های شکل می‌گیرند. دوره دوم، با مرزبندی این جریان‌ها آغاز و به پردازش و صورت‌بندی فکری و اعتقادی آن‌ها می‌انجامد. بر این اساس زمینه برای اندیشیدن روش‌مند و منسجم به سیاست و حکومت فراهم می‌شود و تمدن اسلامی در آستانه عصر تدوین و نگارش آثار در حوزه سیاست قرار می‌گیرد.

کتاب حاضر بررسی تحول اندیشه سیاسی در دوره زمانی میانه عصر تدوین یا آستانه عصر تدوین، می‌پردازد. این دوران، که تاکنون از دیدگاه اندیشه سیاسی چندین مورد توجه قرار نگرفته است، نزدیک به سه قرن را در بر می‌گیرد. این کتاب آگاهی‌های سودمندی از تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، در اختیار دانشجویان و دانشجویمان قرار می‌دهد و در درس‌های مربوط به اندیشه سیاسی اسلام، در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی، می‌تواند به عنوان منبع مورد استناد قرار گیرد.

انتشارات دانشگاه مفید در راستای رسالتی که در زمینه تقویت و گسترش زیرساخت‌های پژوهشی در عرصه علوم انسانی با رویکرد اسلامی دارد، اقدام به انتشار این اثر پژوهشی نموده است. انتشارات دانشگاه مفید این اثر گران‌سنگ را با امید به اعتلای روز افزون این شاخه از علم و رسیدن به جایگاه در خور توجه در رشد و توسعه دانش و معرفت نظری و عملی جامعه اسلامی، به تمامی دوستداران علم و دانش تقدیم می‌کند و از تلاش نویسنده فرهیخته دکتر سید علی میرموسوی و ارزیاب محترم جناب دکتر احمد رضا یزدانی، محترم و تمام عزیزانی که در مراحل مختلف خلق این اثر مشارکت نموده‌اند، خاضعانه سپاسگزاری می‌نماید و پذیرای نظرات اصلاحی یا تکمیلی و هم‌چنین نقد و بررسی آثار منتشره با رعایت اصول علمی می‌باشد.

## دیباچه

اندیشه سیاسی، یکی از وجوه اصلی حیات فکری مسلمانان و فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی است، که با وجود اهمیت و گستردگی آن، مطالعه و بررسی و تأمل دربارهٔ تاریخ آن پیشینهٔ چندانی ندارد. شناسایی این حوزه مطالعاتی، نخستین بار توسط شرف‌ناسان صورت گرفت و روزنتال با نگارش کتاب «اندیشه‌های سیاسی در دوران سنی اسلامی» بر همگان پیشی جست. پس از آن نیز پژوهش در این باره همواره تداوم یافته و زوایای نامکشوف آن به تدریج روشن و امکان نگارش تاریخ آن، بیش از پیش فراهم شده است. پژوهش حاضر، در صدد است تا با بهره‌مندی از ادبیات فراسم شد در این حوزه، ماجرای تحول فکر سیاسی در سده‌های نخست اسلام را ترسیم کند و اثری برای مطالعه دانشجویان علاقه‌مند به این حوزه مطالعاتی فراهم آورد.

نگارش اثری جامع در تاریخ اندیشهٔ سیاسی اسلام و ایران با هدف آشناسازی دانشجویان و دانش‌پژوهان با مفردات و عناصر فکری اندیشمندان سیاسی و نیز منطق حاکم بر تحول آن، در عین ضرورت، با دشواری‌های بسیاری مواجه است. از یک‌سو، گستردگی زمانی و پراکندگی جغرافیایی، فراوانی اندیشمندان و تنوع روی کرد آنان و در نهایت، گوناگونی معیارها، اتخاذ الگویی فراگیر را برای طبقه‌بندی اندیشهٔ سیاسی دشوار ساخته و از سوی دیگر،

گوناهگونی روش‌های ممکن برای بررسی و تحلیل تاریخ اندیشه سیاسی، گزینش اسلوبی مناسب را مشکل کرده است. افزون بر این، تعیین زمانی قطعی به عنوان نقطه آغاز خردورزی سیاسی در دوران اسلامی نیز مناقشه‌برانگیز است. حل این دشواری‌ها از راه تأمل در مفهوم اندیشه سیاسی و سرشت آن در دوران اسلامی، بازاندیشی در تاریخ اندیشه سیاسی و الزامات آن، نگاهی به رهیافت‌های مختلف در فهم و تحلیل اندیشه سیاسی و موضوعاتی از این دست، امکان‌پذیر است که در این دیباچه طرح خواهد شد.

اندیشه سیاسی گونه‌ای فرآورده فکری مربوط به وضع انسان در جامعه و حاصل خردمندی درباره پدیداری به نام قدرت و تأمل درباره پرسش‌های بنیادین برآمده از روابط قدرت در اجتماع انسانی است. پرسش از سرشت انسان، بیگانگی و یگانگی برای من و نابرابری، ماهیت و ضرورت قدرت، خاستگاه تمایز میان فرمان‌روایان و فرمان‌برداران، مبنای مشروعیت و الزام سیاسی، چرایی انحصار و تمرکز اعمال قدرت و همراهی آن با قانونی نزد فرمان‌روایان، حاکمیت و قلمرو و حدود آن، غایب و اهداف قدرت، گونه‌ها و اشکال مختلف حکومت و در نهایت، الگوی و تاریخ حکومت از این قبیل‌اند.<sup>۱</sup> هرگاه اندیشیدن درباره این پرسش‌ها به پدید آمدن مجموعه‌ای سامان‌مند و هماهنگ بینجامد، حاصل آن، «اندیشه سیاسی» نامیده می‌شود. بنابراین، اندیشه سیاسی مجموعه‌ای منظم و منسجم از افکار و اعتقادات درباره پرسش‌های بنیادین حوزه سیاست است که با تعیین غایب زندگی سیاسی، اسلوبی ویژه را برای آن تجویز و الگوی توزیع قدرت را در اجتماع مشخص می‌کند.

تأمل درباره این قبیل پرسش‌ها، از یک سو در تعامل با وضعیت عمومی تفکر در هر دوران صورت می‌پذیرد و از سوی دیگر همبسته با واقعیت‌های

۱. برای آگاهی بیشتر از این نوع پرسش‌ها بنگرید، گلن تیندر، *تفکر سیاسی*، ترجمه محمود صدری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

اجتماعی، به ویژه اشکال نهادینه شده آن، که در قالب نهادهای سیاسی، اجتماعی و دینی جلوه‌گر شده است، تحقق می‌یابد. از این رو، اندیشه سیاسی، از دیگر حوزه‌های فکری و عملی مستقل نیست، بلکه در چارچوب عقلانیت حاکم و نهادهای رایج در هر عصر شکل می‌گیرد و متحول می‌شود.

بر اساس مبنای فوق، می‌توان سرشت و ویژگی‌های اندیشه سیاسی را در دوران اسلام تا حدی مشخص و آن را از بدیل‌های غربی و شرقی‌اش جدا کرد. اندیشه سیاسی اسلامی، نص‌مدار و دارای سرشتی تفسیری است. مرجعیت نصوص متون دینی در عقلانیت و تمدن اسلامی سبب شده است تا خردورزی دربارهٔ سیاست، معاهده در تعامل با این متون صورت پذیرد. از این رو، اندیشمندان مسلمان در برخورد با نیازهای زندگی فردی و اجتماعی و پرسش‌های برآمده از آن، هواره دغدغه یافتن پاسخ از متون دینی و ارائه تفسیری کارآمد از آن‌ها را داشته‌اند.

مرجعیت نص، البته به معنای مطلق کردن سهم یافته‌های انسانی در اندیشه سیاسی اسلامی نیست، تمدن اسلامی در پیوند با تمدن‌های معاصر و پیشین شکل گرفته و تا حد بسیاری از دست آید. دینی فکری و عملی آن‌ها تأثیر پذیرفته است. سهم تمدن‌های ایرانی، یونانی، رومی و مسیحی در این رابطه آشکارتر است و تأثیر آن‌ها بر اندیشه سیاسی مسلمانان قابل انکار نیست. به عنوان مثال، با نگاهی گذرا به اندیشه سیاسی فارابی، می‌توان رد پای عناصر و مؤلفه‌های تفکر یونانی و نوافلاطونی را به وضوح مشاهده کرد و یا با بررسی بر *سیرالملوک* *خواجه نظام الملک*، تأثیرپذیری آن از اندیشه ایران شهری و شاهی آرمانی آشکار می‌شود. با این حال، انتقال این دست‌آوردها بیشتر از راه تلفیق آن‌ها با نصوص و ارائه هم‌نهادی از آن‌ها صورت می‌گرفته است. البته این ویژگی با خصلت تفسیری این اندیشه‌ها ناسازگار نیست، بلکه اساساً هر تفسیری بر پایه یافته‌ها و پیش فرض‌های مفسر صورت می‌پذیرد.

اندیشه سیاسی اسلامی هم‌چنین، به اعتبار تعامل با تجربه دولت و الگوی خاص زندگی سیاسی در جوامع اسلامی، از بدیل غربی‌اش متمایز می‌شود؛ در تجربه غرب، اندیشه سیاسی از دولت - شهر یونانی آغاز و با تحول آن به دولت - امپراتوری رومی و مسیحی، سلطنت ملی، ملت - دولت سلطنتی و در نهایت ملت - دولت دمکراتیک مدرن بسط و تحول یافته است،<sup>۱</sup> حال آن‌که تجربه دولت در جوامع اسلامی، مسیر متفاوتی را از دولت - مدینه در آغاز دوره اسلامی تا دولت - امپراتوری در عصرهای بعدی طی کرده و در نهایت تحت تأثیر شامل باجهت جدید، به تجربه دولت - ملت رسیده است. ساختار قدرت نیز در دوره‌های مختلف به اعتبار چینش نیروها، نوع نهادها، قلمرو قدرت و ایدئولوژی حاکم، دچار تحول شده و اندیشه سیاسی نیز همگام با آن، تحول یافته است. نکته قابل توجه اینست هم‌چنان‌که در عرصه نظر، به بهره‌گیری از دست‌آوردهای تمدن‌های غربی و ایرانی اشاره شد، در عرصه عمل نیز این امر وجود داشته است و نهادهای حکمرانی عناصر قدرت در دولت‌های اسلامی همواره از تمدن‌های هم‌جوار الگو برداری کرده‌اند.

تمدن اسلامی، هم‌چنین، دانش‌های گوناگونی مانند فلسفه، فقه، کلام، عرفان، تاریخ و ادبیات را در دامن خود پرورانده است، تنوع دانش‌ها به نوبه خود تنوع روی‌کرد و شیوه اندیشیدن به مسائل سیاسی را در پی داشته و به ظهور دانش‌های مختلف سیاسی از قبیل فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، عرفان سیاسی، سیاست‌نامه‌نویسی و یا ادب سیاسی منجر شده است. از آن‌جا که شاخه‌های مختلف دانش سیاسی در تمدن اسلامی هریک منطق ویژه‌ای را دارا هستند، اندیشه سیاسی اسلامی نیز چندگانگی منطقی را تجربه و

۱. بنگرید، شوالیه، ژان ژاک، *تاریخ الفکر السياسي من المدینه الدوله الی الدوله القومیه*، ترجمه د. محمد عرب صاصیلا، بیروت: المؤسسة الجامعیه للدراسات والنشر والتوزیع،

مسیرهای متفاوتی را طی کرده که در نوع خود، منحصر به فرد است. گرایش‌های گوناگون مذهبی در اسلام نیز هر چند تا حدی متأثر از سیاست و شکاف‌های سیاسی بوده، به نوبه خود بر اندیشه سیاسی نیز تأثیر گذاشته است. در یک دسته‌بندی کلان، اندیشه سیاسی به دو بخش اهل سنت و شیعه تقسیم می‌شود: اندیشه سیاسی اهل سنت، نه تنها به لحاظ مبانی کلامی و فقهی، بلکه از حیث مبانی روش‌شناختی نیز از شیعه متمایز است. اندیشه اهل سنت، با توجه به مهوریت فلسفه در میان ایشان، یا با رویکرد فقهی به مسائل سیاسی نگرسته‌اند و یا با نگرش اندرزنامه‌ای به توجیه و نظریه‌پردازی درباره سلطنت واقعاً موجود پرداخته‌اند، در حالی که پیشینه و ارزش‌های علمی در بین شیعه موجب تقویت مباحث حکمت عملی نزد اندیشمندان شیعی شده است. گذشته از این، اختلاف‌مبنایی اهل سنت با شیعه درباره امامت الهی و آرمانی حکومت، به تفاوت‌های جدی در نظریه سیاسی ایشان منجر شده است.

ویژگی‌های بیان شده، سرشت اندیشه سیاسی اسلامی را در بخش بیشتری از تاریخ آن؛ یعنی تا پیش از رویارویی با تمدن نشان می‌دهند. پیدایش و بسط تجدد و مواجهه جوامع اسلامی با مفاهیم و نشانه‌های آن، بازتاب و پیامدهای فراوانی برای نظر و عمل سیاسی آن‌ها داشت. در یک سو مرجعیت نصوص، سنت و دانش‌های رایج، مورد تردید واقع شدند و اسلام‌های جدید اندیشیدن و شناخت، شیوه‌های سنتی تفکر، به ویژه شیوه فقهی رایج به چالش کشانیدند. از سوی دیگر، ساختار قدیم قدرت، شکسته و نهادهای جدید، ولو به شکل، از ریخت افتاده یا بد قواره، گرت‌برداری و در تأسیس الگوهای تازه دولت به کار برده شدند. این امر سبب تحول اندیشه سیاسی و صورت‌بندی آن نسبت به گذشته شد. اندیشه سیاسی اسلامی از این رو به دو بخش قدیم و جدید یا معاصر تقسیم می‌شود.

اندیشه سیاسی معاصر هر چند در برخی از وجوه، با اندیشه سیاسی قدیم پیوند دارد، از نظر مسائل و موضوعات و شیوه‌های اندیشیدن، با آن متفاوت است. بسیاری از مباحث مطرح در اندیشه معاصر، از موضوعات ناندیشیده یا اندیشه‌ناپذیر در اندیشه قدیم است. برخلاف اندیشه‌های سیاسی قدیم، که بر اساس نوع روی‌کرد تفکیک می‌شدند، در اندیشه معاصر شیوه مواجهه با مفاهیم و نکته‌های تجدد و دولت مدرن، معیار تفکیک است. سنت‌گرایی و تجددگرایی، اقتدارگرایی و مردم‌سالاری و دین‌گرایی و عرفی‌گرایی، گرایش‌ها و رهیافتهای تقسیم‌کننده اندیشه سیاسی اسلام معاصر است.

توجه به نسبت اندیشه سیاسی در دوران اسلامی، مقدمه‌ای بر تأمل تاریخی در آن است. اندیشه‌ها به طور کلی امری زمان‌مند و از این جهت تاریخی‌اند. زمان در نگاه نخست به سه بخش گذشته، اکنون و آینده تقسیم می‌شود. اندیشه‌ها به اعتبار تکرارگری و تحقق آن در چارچوب زمانی، تابع این قسمت‌بندی‌اند، هم‌چنان‌که زمان گذشته همواره بر اکنون، فزونی و چیرگی دارد، اندیشه‌های گذشته نیز نسبت به اندیشه‌های کنونی بسیار افزون‌ترند. علاوه بر ناپایداری اکنون و تحول‌گریز ناپذیر آن به گذشته، بخش بیشتر اندیشه‌های کنونی، ریشه در اندیشه‌های پیشین دارند و بر آن تأثیر پذیرفته‌اند. بنابراین، فهم اکنون، در گرو شناخت گذشته است. هر راقع ما از راه درک مسیری که طی آن رشد کرده‌ایم، خود را بازشناسی می‌کنیم.

پژوهشگر تاریخ اندیشه سیاسی، با پرسش‌های نظری فراوانی روبرو روست که پاسخ به آن، در تعیین رهیافت و الگوی پژوهشی او تأثیر بسیار دارد. این پرسش‌ها که پرداختن به آن‌ها، پیش از بررسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی لازم است، به این ترتیب قابل بیان‌اند: تاریخ اندیشه‌های سیاسی چیست و چه نسبتی با دیگر شاخه‌های تاریخ دارد؟ آیا اساساً تاریخ اندیشه سیاسی امکان‌پذیر است؟ آیا تاریخ اندیشه‌های سیاسی، شاخه‌ای مستقل از دانش سیاسی است؟

نسبت آن با سایر دانش‌های سیاسی مانند فلسفه سیاسی و علم سیاست چیست؟ آیا جزئی از این دانش‌ها محسوب می‌شود یا مقدمه‌ای برای آن‌هاست؟ کارکرد و فایده آن چیست؟ چه رهیافت‌هایی برای مطالعه و بررسی تاریخ اندیشه سیاسی وجود دارد؟ بررسی و تحلیل تاریخ اندیشه سیاسی با چه دشواری‌هایی روبه‌روست؟ در ادامه تلاش می‌شود تا در حد امکان، به عنوان مقدمه، توضیحی هر چند کوتاه، در پاسخ به این پرسش‌ها ارائه شود.

تاریخ معانی و کاربردهای بسیاری دارد، ولی مرسوم‌ترین معنای آن به نوعی معادل است با بررسی گذشته و چشم‌اندازی به آن. بر این اساس، هر چیزی از جمله اندیشه که گذشته‌ای داشته باشد، از داشتن تاریخ، ناگزیر است. تاریخ، با یک قسمت‌بندی کلی، در دو بخش قرار می‌گیرد: تاریخ خاص<sup>۱</sup> و تاریخ عمومی<sup>۲</sup>؛ تاریخ خاص - هم‌چنان که همان‌بوم اشاره کرده - آن قسم از تاریخ است که چگونگی توسعه و تحول شکل‌های سیاسی و فعالیت‌های انسانی مانند هنر، مذهب، دانش و اندیشه را در طول زمان بررسی می‌کند. در برابر تاریخ عمومی گزارش، توصیف و تحلیل فرایند تغییر و تحول نهادهای یک جامعه است.<sup>۳</sup> بنابراین، تاریخ اندیشه سیاسی، رشته‌ای خاص از تاریخ است که از نظر موضوع، از تاریخ عمومی متمایز می‌شود، در حالی که موضوع تاریخ عمومی نهادهای اجتماعی و سیاسی‌اند که بیشتر به عمل مربوط می‌شوند، موضوع تاریخ اندیشه‌ها، اندیشه و مباحث نظری است. روشن است که به دلیل ارتباط متقابل عمل و نظر، این دو رشته از تاریخ، دارای پیوندی دو سویه با یکدیگر هستند.

از دیدگاه‌های گوناگون، تعاریف متفاوتی در مورد تاریخ اندیشه سیاسی طرح شده است؛ از نظر اشتراووس موضوع تاریخ اندیشه سیاسی، بررسی

1. Special Histories.

2. General Histories.

3. Preston King, The History of Ideas: An Introduction to Method, Britain, Billing & Son Ltd, Worcester, 1983, p12.



پاسخ‌های متفاوت به پرسش‌های بنیادین سیاسی و تغییرات آن‌ها در طول زمان است. کالینگوود، که با فرض تأثیرپذیری پرسش‌ها از شرایط زمانی و مکانی، یگانگی و بنیادین بودن آن‌ها را به سؤال می‌کشد، تاریخ اندیشهٔ سیاسی را مطالعهٔ پیش‌فرض‌های نظری و پرسش‌ها و پاسخ‌هایی می‌داند که در هر عصر، بر اساس آن پیش‌فرض‌ها طرح و پاسخ داده شده است. به نظر می‌رسد که تاریخ اندیشه‌ها، بررسی سیر تحول مفاهیم و افکار و منطق حاکم بر تحول آن‌ها در طول زمان باشد.

مطالعهٔ تاریخی اندیشه‌ها، به معنای بازاندیشی اندیشه‌های گذشته و بازسازی آن‌ها به گونه‌ای معنادار در زمان کنونی است. فرایند بازاندیشی گذشته، ما را با دست‌آوردی ناسازواری گذشته و اکنون مواجه می‌کند، از یک سو اندیشه‌ها در زمان کنونی و دریافت و با امکانات زبانی و اندیشگی، مطالعه و بررسی می‌شوند که همگی موانع به زمان حاضرند، از سوی دیگر، یافت و امکانات کنونی نیز به نوعی، پیشینهٔ گذشته دارد، به این ترتیب، مشکل ناسازواری گذشته و اکنون، در بررسی تاریخ اندیشه‌ها رخ می‌نماید.<sup>۱</sup>

پرسش این است که چگونه می‌توان اندیشه‌های گذشته را همان‌گونه که در گذشته اندیشیده شده‌اند، بازاندیشی کرد؟ روش‌ها، مشکل را این چنین طرح کرده است: چگونه با دریافتی روشن، می‌توان اندیشه‌ها را به گونه‌ای که از ما کاملاً بریده باشند فهمید و هم‌زمان از راه وارد کردن در تریهٔ کنونی، آن‌ها را در دسترس قرار داد؟<sup>۲</sup>

البته دشواری فوق، تنها به تاریخ اندیشه‌ها مربوط نیست و به نوعی همهٔ گونه‌های تاریخ را در برمی‌گیرد، از این رو، برخی هم‌چون گروه عقیده دارند که به دلیل تأثیرپذیری برداشت‌های تاریخی از مفاهیم و ذهنیت کنونی، هر

1. Ibid, p3.

2. Ibid, p5.

تاریخ راستینی، تاریخ معاصر است. با وجود این، حل این دشواری تا حدی به نوع دریافت ما از دو مفهوم گذشته و حال و تا حدی نیز به رهیافت تفسیری در فهم اندیشه‌های سیاسی گذشته بستگی دارد. رهیافت‌های مربوط به فهم اندیشه‌های سیاسی را بر حسب تأکید آن‌ها بر متن یا زمینه و یا بر تعامل آن دو، دست کم به سه نوع متن گرا، زمینه گرا و تعاملی می‌توان قسمت کرد.

در دریافت متن گرایانه که بیشتر توسط اشتراووس طرح شده، بر دو مبنای اساسی است: نخست این که با وجود گوناگونی شرایط و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، پرسش‌های بنیادین حوزه سیاست، ابدی و فراگیر بوده و اندیشه سیاسی نیز پاسخی به این پرسش‌ها شکل گرفته است.<sup>۱</sup> دوم این که فهم اندیشه سیاسی گذشته در گرو شناخت پاسخ گذشتگان به همین پرسش‌های ابدی، از راه فهم متون سیاسی آنان است.<sup>۲</sup> از این دیدگاه، تاریخ اندیشه سیاسی، در صدد بررسی چگونگی پاسخ‌گویی متفکران سیاسی به این پرسش‌ها و نیز تغییر پاسخ‌ها در طول زمان است.

از نظر اشتراووس، تاریخ اندیشه سیاسی جزئی از دانش سیاسی نیست، بلکه مقدمه‌ای برای آن است.<sup>۳</sup> کارکرد تاریخ اندیشه سیاسی، تحلیل مفاهیم و مقوله‌های بنیادی سیاست است که توسط متفکران قدیم بداع شده و اکنون به طور آماده، در دست ما قرار دارند. اندیشمندان سیاسی گذشته، برای تأمل درباره سیاست، به مفهوم‌سازی اقدام کرده و مفاهیمی مانند شهر، دولت، عدالت را پدید آورده‌اند، این مفاهیم، در فرایند گذر زمانی، با ابهام و تیرگی همراه شده و ابهام‌زدایی آن‌ها از راه تحلیل تاریخی، ضروری است.<sup>۴</sup> هدف از این

1. Ibid, p213.

۲. دایملتی گوپتا، «اندیشه سیاسی و تفسیر: معضل پیچیده تفسیر»، پست مدرنیته و پست مدرنیسم؛ مجموعه مقالات، ترجمه و تدوین حسینی نوذری، (تهران: نقش جهان، ۱۳۷۹)، ص ۶۴۸.

3. opcit.

4. Ibid, p228.

تحلیل، خودآگاهی تاریخی است؛ یعنی اندیشمندان گذشته، همان گونه که آن‌ها خودشان را می‌فهمیده‌اند، دریافت کرد.<sup>۱</sup>

اشتراک و س، دیدگاه خود را در برابر تاریخ‌گرایی، که از نظر او روح حاکم بر دوران جدید را تشکیل می‌دهد، قرار داده است. تاریخ‌گرایان، بر پیوند پرسش‌ها و اندیشه‌های سیاسی هر عصر با شرایط تاریخی آن، تأکید و وجود پرسش‌های بنیادین و نیز فلسفه سیاسی فرا زمانی و مکانی را انکار می‌کنند.<sup>۲</sup> از این رو، فهم شرایط تاریخی هر دورانی را مقدمه‌ای لازم برای فهم اندیشه سیاسی آن تاریخ می‌کنند، از دیدگاه آنان، تاریخ اندیشه سیاسی با دانش سیاسی پیوندی نخستینی دارد و هدف از آن، فهمیدن اندیشه اندیشمندان گذشته، آن گونه که خود برداشت می‌کرده‌اند، نیست، بلکه باید آن را به عنوان مقدمه‌ای برای فهم اکنون و در چارچوب شرایط محیط بر آنان تفسیر کرد.<sup>۳</sup> تاریخ‌گرایی به این ترتیب، توجه به زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه سیاسی را در اولویت قرار می‌دهد.

متن‌گرایی، در فهم اندیشه‌های فلسفی به اعتبار جنبه انتزاعی آن‌ها کاربرد دارد، ولی در فهم اندیشه سیاسی به دلیل ارتباط بسیار نزدیک آن‌ها با واقعیت، با نارسایی‌هایی مواجه است، اندیشه‌های سیاسی هر پیوند با نهادهای سیاسی و دولت شکل می‌گیرند، از این رو فهم آن‌ها بدون توجه به زمینه سیاسی و اجتماعی آن‌ها امکان‌پذیر نیست، این نکته به ویژه در مورد تاریخ اندیشه سیاسی اسلام حایز اهمیت است، زیرا افزون بر حاشیه‌نشین فلسفه سیاسی و ضعف آن در تمدن اسلامی، اولویت واقع و عمل بر نظر، در آن آشکارتر است.

رهیافت‌های زمینه‌گرا، با اتکا به برخی از پیش‌فرض‌های جامعه‌شناسانه، بر نقش زمینه و بافت اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی و

1. Ibid, p222.

2. Ibid, pp,213,219.

3. Ibid, 222.

فهم آن‌ها تأکید می‌کنند. از این دیدگاه، فهم اندیشهٔ سیاسی، بدون توجه به عوامل اجتماعی و سیاسی که موجب تکوین آن شده است، امکان‌پذیر نیست. ساباین و اسپریگنز از جمله کسانی هستند که بر شناخت زمینه، به عنوان مقدمه‌ای برای فهم اندیشه‌های سیاسی تأکید می‌کنند.

اسپریگنز، با تفکیک بین منطق درونی و منطق بازسازی شده، فهم درست اندیشهٔ سیاسی گذشتگان را در گرو فهم منطق درونی آن می‌داند. منطق بازسازی شده، منطقی است که بعد از اتمام عمل و با دسته‌بندی موضوعات ارائه شده بازتألیف بازسازی می‌شود، درحالی که منطق درونی به روندهای فکری که در جریان آن اندیشه شکل گرفته، معطوف است.<sup>۱</sup> برای فهم منطق درونی، مفسر هم‌پای آن بشناسد پیش می‌رود و درست از همان جا آغاز می‌کند که متفکر شروع کرده است.<sup>۲</sup> نظریه‌پرداز از بحران‌های سیاسی، که جامعه با آن درگیر است، آغاز می‌کند،<sup>۳</sup> بعد از آن به مشکل به خوبی شناسایی شده، به مطالعهٔ دقیق در علل بحران می‌پردازد.<sup>۴</sup> در قسم بعدی، نظریه‌پرداز جامعه‌ای را تصویر می‌کند که معضل سیاسی، در آن به شیوهٔ مؤثری تجزیه و تحلیل و با آن برخورد شده است.<sup>۵</sup> آخرین جزء که نظریهٔ سیاسی بیشتر در آن آشکار می‌شود، مرحلهٔ ارائه راه حل است. در این مرحله، نظریه‌پرداز پیشنهاد‌های عملی و توصیه‌هایی برای اعمال سیاسی ارائه می‌کند که به نظر او بهترین وجه، مشکل را حل و فصل می‌کند.<sup>۶</sup>

۱. توماس اسپریگنز، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، چاپ سوم، تهران: آگه،

۱۳۷۷، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان.

۵. همان، ص ۴۰.

۶. همان.

زمینه‌گرایی، شاید به دلیل تأکید بیش از حد بر بافتی که اندیشه در چارچوب آن شکل گرفته است، از درک مقاصد اندیشمند، با توجه به متونی که توسط او نگاشته شده است، دور افتد، رهیافت تعاملی برای جبران این نقیصه پدیدار شده و در پی فهم مقاصد اندیشمند با توجه به متن و زمینه‌ای است که متن در آن شکل گرفته است. اسکینر، که پدید آورنده این روش محسوب می‌شود، کوشش کرده تا با تجزیه و تحلیل زمینه‌های عملی و ایدئولوژیکی که متن را در بر گرفته‌اند، به فهم مقاصد اندیشمند دست یابد.<sup>۱</sup>

در تحلیل تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، افزون بر ضرورت تعیین رهیافت تفسیری، اتخاذ موضع در مورد سرشت اندیشه سیاسی در دوران اسلامی نیز لازم است. از دیدگاه شرق‌شناسان، اندیشه سیاسی اسلام ترکیبی از میراث یونانی، ایرانی و عربی است. از این رو، تاریخ آن عبارت از بررسی چگونگی ورود این عناصر به ذهن مسلمانان و ترکیب حاصل از این هم‌نشینی است. از نظر شرق‌شناس، بررسی نسبت میان شهر افلاطونی با مدینه فاضله فارابی و یا شاهی آرمانی نامۀ تنسر، با سلطنت خواجه نظام‌الملک طوسی اهمیت دارد. رهیافت شرق‌شناسانه، به همین منوالی که حاصل تعامل عقل اسلامی، یونانی و ایرانی است، توجهی ندارد. از این رو، در فهم عمیق اندیشه سیاسی اسلامی ناتوان است.

از دیدگاه پژوهش حاضر، اندیشه سیاسی یکی از وجوه اصلی حیات فکری تمدن اسلامی است که حاصل تعامل اشاره شده بین سه وجوه اسلامیت اسلامی، یونانی و ایرانی از یک سو و تجربه خاص دولت در جهان اسلام از سوی دیگر است. این تعامل، همگام با توسعه قلمرو دولت اسلامی و بهره‌مندی از عناصر فکری و فرهنگی و نهادهای سیاسی تمدن‌های هم‌جوار صورت گرفت،

۱. جیمز تولی، روش‌شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی، ترجمه غلامرضا بهروز لک، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸، زمستان ۸۳، ص ۵۷ - ۸۴.

اندیشه سیاسی اسلامی، برآیند این تعامل و معطوف به حل مسائل و پرسش‌های برآمده از تجربه زندگی سیاسی در تمدن اسلامی است. بنابراین، بهره‌مندی آن از عناصر فکر سیاسی یونانی، رومی و ایرانی در چارچوب هم‌نهادی جدید صورت پذیرفت و به این عناصر، معنای ویژه‌ای بخشید که با معانی قبلی آن‌ها متفاوت است، از این رو، فهم دقیق اندیشه سیاسی اسلامی در گرو درک معانی جدید باشد آمده، در چارچوب این سنتز است.

بر این اساس، در این اثر، تلاش شده تا الگویی که متناسب با سرشت اندیشه سیاسی ایران اسلامی است، برای بررسی تاریخ آن اتخاذ شود. در این الگو، از یک سبک تحریک دولت و تاریخ تحول آن توجه شده است و از سوی دیگر، منابع گوناگون به‌آئینده اندیشه اسلامی و هم‌چنین رویکردهای متفاوت اتخاذ شده در پاسخ‌گویی به مسائل و پرسش‌های سیاسی لحاظ شده است. از این رو، با تأکید بر سبک تحریک اندیشه‌ها، حوزه‌های مختلف فکر سیاسی اسلامی، مانند فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی، کلام سیاسی، اخلاق سیاسی، عرفان سیاسی و... در استقلال خود بررسی خواهند شد.

یکی از دشواری‌های مهم در نگارش تاریخ اندیشه سیاسی، آمیختگی تاریخ فکری با تاریخ سیاسی است. تاریخ فکری، همان‌که «هیوز» بیان کرده است، پیدایش و تحول سبک اندیشیدن را در گذر زمان بررسی می‌کند،<sup>۱</sup> حال آن‌که تاریخ سیاسی به بررسی رخدادها و تحولات سیاسی می‌پردازد. با وجود پیوند اندیشه سیاسی با زندگی و عمل سیاسی، مرز میان تاریخ اندیشه و تاریخ دولت را نمی‌توان نادیده انگاشت، زیرا تحول دولت، با تحول نظام فکری همراه نیست و سبک فکری با تغییر نظام سیاسی دگرگون نمی‌شود، بنابراین،

### 1. intellectual history.

۲. بنگرید استوارت هیوز، *آگاهی و جامعه*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ دوم، تهران: انتشارات

دوره‌بندی تاریخ اندیشه، منطقی متفاوت از دوره‌بندی تاریخ سیاسی دارد، از این دیدگاه، پژوهش حاضر، در فرایند شکل‌گیری و بسط اندیشه سیاسی در تمدن اسلامی، سه مقطع را از یکدیگر جدا می‌سازد: تکوین یا پیدایش، صورت‌بندی و پردازش و در نهایت تدوین و نگارش.

دوره تکوین، بیان‌گر عصر زایش خرد سیاسی اسلامی و شکل‌گیری مفاهیم و آموزه‌های بنیادین سیاسی در چارچوب وحی اسلامی است. حضور صحابه و تابعین و نیز پیدایش جریان‌های گوناگون فکری که برداشت‌هایی متفاوت از اصول و بازنمایی می‌کردند، از دیگر ویژگی‌های این عصر است، از نظر زمان، این دوره تا پایان دولت اموی ادامه می‌یابد. در مقطع دوم، تفاوت‌های اندیشه‌ای بین جریان‌ها تعمیق و مرزهای گرایش‌های گوناگون فکری مشخص و مبانی آن‌ها صورت‌بندی و پردازش می‌شود، این دوره از نظر زمانی تا پایان عصر نخست اسلام به طول می‌انجامد. در سومین دوره، اندیشمندان بر پایه مبانی شکل‌گرفته به نظریه‌پردازی در مورد حکومت می‌پردازند و آثار مستقلی درباره سیاست، تدوین و نگارش می‌کنند.

با توجه به گستردگی دامنه بحث، کتاب حاضر در قالب سه بخش، به بررسی اندیشه سیاسی از آغاز عصر تکوین تا آستانه، عصر تدوین می‌پردازد: در بخش نخست، چگونگی شکل‌گیری خرد سیاسی اسلامی و بسط آن به بحث گذاشته می‌شود، در این راستا، در فصل نخست ویژگی‌های خرد سیاسی عرب قبل از اسلام یا عرب جاهلی توصیف و تحولی که پس از بعثت مسیح یافت، بررسی می‌شود. این بررسی مقدمه‌ای برای آشنایی با مفاهیم و آموزه‌هایی است که در پرتو وحی اسلامی به ذهنیت سیاسی عرب وارد و با مفاهیم موجود در آن تلفیق شد. در ادامه با توجه به مهم‌ترین مسائلی که موضوع گفت‌وگو و خرد ورزی آن عصر بوده است، می‌کوشیم تا وجوه مهم فکر سیاسی را در عصر تکوین آن نشان دهیم.

چنان‌که در فصل دوم خواهد آمد، پس از درگذشت پیامبر ﷺ بحث در مورد مسائلی مانند جانشینی پیامبر، قلمرو اقتدار خلیفه، چگونگی توزیع مناصب و اموال و مانند آن، به بروز شکاف‌های اجتماعی و ظهور جریان‌های مختلف سیاسی و فکری منجر شد. صف‌بندی جناح‌های سیاسی آن عصر که به علت صورت‌بندی اجتماعی حاکم، شکل قبیله‌ای داشت، در قالب دو گرایش اصلی آن بررسی است: گرایش به نوعی نظام اشرافی با مرکزیت قریش و گرایش به نظام مبتنی بر رضایت عمومی و شایسته‌سالاری. در این فصل، از اندیشهٔ پیامبر ﷺ خلافت راشدین که از درون چالش این دو گرایش و در پاسخ به مسائل بیان شده شکل گرفت، بحث می‌شود.

فصل سوم، به بررسی اندیشهٔ سیاسی در عصر اموی اختصاص یافته است. اختلافات و جدال‌های سیاسی بسیار شده در دوران خلافت راشدین، در این عصر ژرف‌تر شده، در چارچوب گفتار کلامی ظهور یافت. امامت و رهبری، جبر و اختیار، ایمان و کفر، رابطهٔ ایمان و عمل، صفات خداوند و رخدادهای عصر عثمان و حضرت علی رضی الله عنه مهم‌ترین مسائلی‌اند که اندیشهٔ سیاسی عصر اموی در پاسخ به آن‌ها شکل گرفت. جریان‌های عمدهٔ فکری و سیاسی این دوران، یعنی امویان، شیعه، خوارج، قدریه، مرجئه و معتزله با اتساع موضوعی متفاوت دربارهٔ این مسائل با یکدیگر مرزبندی کردند، از این رو با توجه به بسوه سیاسی چالش‌های کلامی، می‌توان اندیشهٔ سیاسی این عصر را بررسی کرد.

در بخش دوم، اندیشهٔ سیاسی عصر پردازش بررسی می‌شود. با تحول ساختار قدرت و دولت در عصر عباسی و راه‌یابی مفاهیم و آموزه‌های ایرانی، یونانی و هندی به ذهنیت مسلمانان، نظام معرفتی و اندیشگی اسلامی دست‌خوش دگرگونی شد. از سوی دیگر، همگام با دور شدن از عصر تشریح و روبه‌رو شدن با مسائل نوپیدا که در نصوص دینی به آن پرداخته نشده بود، زمینه برای پردازش دانش عملی جدیدی به نام «فقه» فراهم شد که پاسخ به



پرسش‌های زندگی سیاسی را نیز عهده‌دار بود.

از دیدگاه پژوهش حاضر اندیشه‌های سیاسی این دوران را در چارچوب دو گفتار<sup>۱</sup> می‌توان بررسی کرد که فصل‌های چهارم و پنجم به آن اختصاص یافته‌اند. اسلوب گفتاری نخست، تداوم اندیشه ایرانی و در صدد احیای اندیشه ایران شهری و شاهی آرمانی بود و می‌کوشید تا یک هم‌نهادی از آموزه‌های مریخی به ملک‌داری در ادبیات سیاسی ایران باستان و آموزه‌های اسلامی پدید آورد. اسلوب گفتاری دوم، فقهی بود و مسائل مربوط به زندگی سیاسی را به شیوه فقهی بررسی کرده و پاسخ می‌داد.

صورت‌بندی جریان‌های فکری در گرایش‌های گوناگون حدیثی، کلامی و فقهی در قرن دوم در اسلام را در آستانه عصر تدوین اندیشه سیاسی قرار داد. هرچند نقش ترجمه آثار یونانی را در این مرحله نمی‌توان نادیده گرفت. تأمل و خرد ورزی سیاسی بیشتر رند کلامی داشت و در چارچوب کلام سیاسی جای می‌گرفت. بخش سوم این اثر به بررسی این موضوع اختصاص یافته است و در سه فصل به آن خواهد پرداخت. کلام سیاسی شیعی که بر بنیاد وصایت و ولایت استوار بود و امامت را در بنیاد، منصبی الهی و مرجع اصلی شناخت و دریافت تعالیم دینی پس از پیامبر می‌دانست، در فصل نخست بررسی می‌شود. سپس با توجه به اهمیت و تأثیر بیشتر معتزله و اشاعره در میان محتاتب کلامی این دوران، اندیشه‌های سیاسی آن‌ها در دو فصل بعد بررسی خواهند شد.

در پایان یادآور می‌شوم که اثر حاضر، هر چند حاصل پژوهش و تدوین چندین ساله نگارنده است و قسمت‌هایی از آن نیز پیش‌تر به شکل مقاله منتشر شده، ادعای کمال و جامعیت آن را ندارم و وجود کاستی یا اشتباه را در آن محتمل می‌دانم. بی‌تردید، خوانندگان محترم با یادآوری آن‌ها می‌توانند نگارنده را در بهبود این اثر یاری کنند.